

## نقش فضل الله زاهدی در انهدام سازمان نظامی حزب توده

۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ ساعت ۲۱:۰۰

از شهریور تا بهمن ۱۳۳۲ هر روز خبرهایی از کشفیات جدید فرمانداری نظامی مآرسید. پس از ۲۸ مرداد سازمان نظامی حزب توده در چند مورد اقداماتی کرد که کنجکاوی مقامات انتظامی و نظامی کشور را به وجود یک سازمان پنهانی در درون ارتش برانگیخت. از جمله طرح آتش زدن هواپیماهای ارتش به وسیله چند تن از افسران جزء و درجه‌داران نیروی هوایی که قرار بود برای عملیات نظامی به جنوب و منطقه قشقای اعزام شوند؛ و همین‌طور طرح آتش زدن ناوهای ببر و پلنگ به وسیله چند مهنای نیروی دریایی...

بعد از پیروزی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تشکیلی دولت کودتا به ریاست سپهبد فضل الله زاهدی، شرایط سیاسی و امنیتی کشور دچار تحولات و دگرگونی‌های مختلفی شد. در طول یک سال و نیم دوران زمامداری سپهبد زاهدی ضربات سنگینی بر حزب منحل توده وارد شد. عجیب اینکه دولت نظامی هیچ نمی‌دانست که حزب توده سازمان نظامی خود را که به نظر می‌آرسید پس از وقایع آذربایجان (آذر ۱۳۲۵) به کلی نیست و نابود شده و افسران برجسته عضو آن یا اعدام شده یا از کشور خارج شده‌اند، همچنان حفظ کرده است. در عین حال یکی از دستور کارهای اصلی دولت جدید به ریاست سپهبد فضل الله زاهدی، مقابله با سازمان نظامی حزب توده و انهدام شاخه‌های نظامی آن در درون ارتش پهلوی بود، موضوعی که زاهدی به کمک تیمسار بختیار توانست به آن جامه عمل بپوشاند.

نمای امنیتی و نظامی کشور همزمان با روی کار آمدن دولت زاهدی

فرمانداری نظامی دولت زاهدی نخست به دست سرتیپ فرهاد دادستان و سپس به وسیله سرتیپ تیمور بختیار اداره مآشد. آمیزه‌ای از ضرب و شتم و شلاق و زندان توأم با اخذ رشوه چاشنی اقدامات سازمان فرمانداری نظامی بود که احزاب، مطبوعات، امور سیاسی و امنیتی را زیر نظر داشت. شگفت اینکه تا مرداد ۱۳۳۳ درون دایره تجسس و رکن دوم آن چند تن از افسران شبکه نظامی حضور داشتند و کسانی چون روزبه و کیانوری را فراری دادند. سرهنگ دوم محمدعلی مبشری - افسر دادرسی ارتش - و سرهنگ عزت‌الله سیامک - معاون سررشته‌داری ژاندارمری - و ده‌ها سرهنگ و سرهنگ دوم و سرگرد دیگر در رأس شاخه‌های سازمان مخفی نظامی حزب توده قرار داشتند. نورمن شوارتسکف آمریکایی که در دوران فرماندهی خود بر ژاندارمری یکی دو بار برای سفارش و خرید وسایل موتوری و بیسیم و اسلحه و مهمات مورد نیاز ژاندارمری به آمریکا رفته بود، هرگز نمی‌دانست که سرهنگ سیامک - افسر منتخب او برای انجام معاملات خرید تسلیحات از آمریکا - از سال ۱۳۰۵ با دولت شوروی در ارتباط بوده است. سیامک همان افسری بود که عبدالصمد کام بخش برای جلوگیری از لو رفتن وی در سال ۱۳۱۶، تمام تشکیلات

کومین - ترن (کمونیسم جهانی) را در ایران در وجود گروه تئوریک و مطالعاتی ۵۳ نفر قلمداد کرده، با لو دادن ارانی و همفکرانش، سیامک و گروه نظامی داخلی ارتش را از خطر افشا شدن رها کنید. اعتماد شوارتسکف که خود یک افسر امنیتی بود، به سرهنگ دوم سیامک تا بدانجا بود که او و سرتیپی به نام مشیری را با خود به آمریکا برد و پس از مذاکرات اولیه برای خرید اتومبیل و نفربر و بیسیم و سلاح و مهمات، ادامه مذاکرات را برعهده سیامک و مشیری گذاشت. ۱.

شهریور ۱۳۳۲ و آغاز عملیات انهدام حزب توده

تقریباً از اولین روزهای شهریور ۱۳۳۲، دستگیری توده‌آی‌های فعال و مشهور، ریختن به خانه‌های مشکوک و منازلی که مردم کنجکاو تلفنی نشانی آنها را می‌دادند، و ریختن به مدارس و دستگیری دانش‌آموزان تظاهرکننده آغاز شد. گروه‌های ضربتی فرمانداری نظامی به تعداد زیاد آماده یورش به منازل مخالفان حکومت بودند. عده‌ای از خبرنگاران آمریکایی و اروپایی به ایران آمده، گه‌گاه در عملیات شبانه مأموران حاضر و شاهد بودند و عکسبرداری می‌کردند. سرتیپ فرهاد دادستان - فرماندار نظامی تهران و حومه - که گفته می‌شد مأموران او از مصدقی‌ها، بازاری‌ها و توده‌آی‌ها رشوه گرفته و آزادشان می‌کردند، در اواخر دی ماه عوض شد و شاه، سرتیپ تیمور بختیار مرد قدرتمند و خویشاوند همسرش را که فرمانده لشکر دوم زرهی مرکز بود، به مقام فرمانداری نظامی گماشت و دادستان را فرمانده لشکر یکی از استانهای جنوبی کرد. از شهریور تا بهمن ۱۳۳۲ هر روز خبرهایی از کشفیات جدید فرمانداری نظامی می‌آورد. پس از ۲۸ مرداد سازمان نظامی حزب توده در چند مورد اقداماتی کرد که کنجکاو مقامات انتظامی و نظامی کشور را به وجود یک سازمان پنهانی در درون ارتش برانگیخت. از جمله طرح آتش زدن هواپیماهای ارتش به وسیله چند تن از افسران جزء و درجه‌داران نیروی هوایی که قرار بود برای عملیات نظامی به جنوب و منطقه قشقای اعزام شوند؛ و همین‌طور طرح آتش زدن ناوهای ببر و پلنگ به وسیله چند مهندسی نیروی دریایی. این وقایع مقامات رکن دوم ارتش را متقاعد ساخت که عواملی در داخل ارتش به نفع حزب توده فعالیت می‌کنند. ۲ ژنرال مک کلور - رئیس اداره مستشاری ارتش - و چند افسر آمریکایی متخصص به نوبه خود به تحقیق درباره امکان وجود چنین شبکه‌های پرداختند.

گزارشهایی که از چند سال قبل در ادارات محرمانه شهربانی جمع‌آوری گردیده، همه حکایت از این دارد که عده‌ای از افسران و مأموران آن اداره با حزب توده همکاری داشته‌اند؛ منتهی دولتها و رؤسای وقت ادارات شهربانی، بنا بر ملاحظات کلی از اتخاذ هرگونه تصمیمی نسبت به این افراد خودداری کرده و شدت عمل خود را برای روزهای بعد گذاشته بودند. اطلاعات واصله، حکایت از این می‌کنند که سرپرستان اداره شهربانی، دولت کنونی را آماده مبارزه با این عناصر تشخیص داده و ایام کنونی را روزگار مساعدی برای تصفیه کادر انتظامی شهربانی دانسته‌اند. ۳.

علاوه بر سازمان نظامی حزب توده که فعالیت گسترده آن تا مردادماه ۱۳۳۳ پنهان ماند، یک سازمان کوچکتر و تقریباً آشکار از افسران طرفدار مصدق نیز در ارتش تأسیس شده بود که تا ماههایی پس از ۲۸ مرداد فعال بود و اعلامیه‌هایی علیه رژیم شاه - زاهدی تهیه و توزیع می‌کرد و بنا به نوشته جراید آن زمان، اعضای آن گروهی از افسران جوان و محروم و از ترفیع عقب افتاده بودند. ۴.

به هر ترتیب با دستگیری تصادفی سروان سابق ارتش ابوالحسن عباسی که چمدان حاوی اسناد سازمان نظامی را جابه‌جا می‌کرد و جست‌وجوی محله به محله محلات تهران به وسیله بیست گروه فرمانداری نظامی، دستگیری افسران عضو سازمان نظامی از اوایل شهریور ماه ۱۳۳۳ آغاز شد.

در هفته‌های اول پس از پیروزی کودتاجیان، مطبوعات اخباری درباره شناسایی و اخراج عده‌های از افسران مشکوک به داشتن تمایلات توده‌های چاپ ملامت کردند. از سوی دیگر حزب توده و سازمان نظامی آن در فرمانداری نظامی تهران و حومه، رکن دوم ستاد ارتش و همچنین در رکن دوم واحد نظامی اهواز و آبادان نفوذ کامل داشت و اقداماتی انجام ملامت دادند؛ نظیر فراری دادن خسرو روزبه که با نام مستعار دستگیر شده بود و افسران توده‌های با جایگزینی یک فرد عادی که شباهت صوری به وی داشت، او را فراری داده بودند. گروهی پرشمار از نظامیان طرفدار مصدق از همان روزهای اول پس از سقوط حکومت دکتر مصدق، بازداشت و به قلعه فلک‌الافلاک در خرم‌آباد لرستان تبعید شدند که بعضی از آنها ماه‌ها بعد به تهران بازگردانده شدند.

در ۲۰ شهریور ۱۳۳۳ فرمانداری نظامی شهرستان تهران طی اعلامیه‌های کشف و دستگیری چندصد تن از افسران نفوذ داده شده در ارتش و ژاندارمری و شهربانی را خبر داد. در ۲۱ شهریور ۱۳۳۳ صورت کامل شبکه افسران سازمان نظامی حزب توده کشف شد. یکی از نخستین افسرانی که بازداشت شد و بازداشت او مورد تأیید زاهدی قرار گرفت، محافظ شخصی او بود. در بیست و دوم شهریور با خودکشی یک افسر عضو شبکه نظامی با کلت، این ماجرا صورت تازه‌ای گرفت. ۵.

با کشف شبکه که اسامی افسران طی هفته‌های آخر مرداد و بیست روز اول شهریور به دست آمده و استخراج شده بود، دستگیری آنان در پادگان‌های تهران و شهرستانها آغاز شد. شاه که از خبر این رویداد، حیرت کرده بود، دویست تن از افسران ارتش را در روز ۲۸ شهریور به قصر خود فرا خواند و با آنان صحبت کرد. تا سه‌ام شهریور بازداشت تمام افسران توده‌های در سراسر کشور خاتمه یافت و البته عده‌های از آنها نیز در مخفیگاه‌های نیمه‌امن در تهران و شهرستانها پنهان شدند و سعی کردند در طول ماه‌های بعد از ایران بگریزند. پیشواپور یکی از درجه‌داران نیروی هوایی بود که در سال ۱۳۳۵ پس از دو سال اختفا توانست از کشور خارج شود و از راه مرزهای خراسان به شوروی پناه برد. ۶.

با شناسایی و کشف و دستگیری سازمان نظامی که بختیار، خود و فرمانداری نظامی‌اش را قهرمان آن می‌دانست، حزب توده سپر اطلاعاتی و حفاظتی خود را از دست داد. و در چهارم مهر محل چاپ روزنامه مخفی مردم و چاپخانه زیرزمینی آن کشف شد. برخی از افسران توده‌های که زنده ماندند به خارج رفتند و در سالهای بعد به‌ویژه پس از سقوط رژیم پهلوی، خاطرات خود را نوشتند. دادگاه‌های نظامی بدوی و تجدیدنظر پس از اقرارهایی که به ضرب و زور و شلاق از افسران گرفته می‌شد، طی جلسات کوتاه و سریع حکم محکومیت به اعدام بیش از یکصد تن را صادر کردند. کسانی اعدام می‌شدند که سرسلول و تبلیغ‌کننده دیگران بودند. حدود ششصد افسر و درجه‌دار تحت پیگرد واقع شدند که عده‌های از آنان گریختند و نزدیک به پانصد تن دستگیر شدند. شایعات منتشره درباره یک شبکه بالای هزار نفر از درجه‌داران اغراق‌آمیز و دور از حقیقت است. ۳۸ تن از افراد تحت پیگرد موفق به فرار و خروج از کشور شدند. ۷.

در اول مهر اولین جلسه دادگاه نظامی آغاز شد. در ۸ مهر دادستان ارتش برای دوازده تن از رهبران سازمان نظامی تقاضای اعدام کرد. در ۱۵ مهر دادگاه بدوی دوازده تن را محکوم و تیرباران کرد. دادگاه نظامی مرتب تشکیل جلسه ملامت داد. در ۲۴ مهر دوازده افسر دیگر محکوم به اعدام شدند. در ۲۷ مهر ده تن افسران توده‌های به اضافه غیرنظامی مرتضی کیوان — نویسنده و شاعر — تیرباران شدند. در ۱۷ آبان دوازده تن افسر توده‌ای دیگر در دسته ششم در دادگاه بدوی حکم محکومیت اعدام یافتند. در مجموع ۲۷ تن تیرباران شدند و دیگران به زندانهای مختلف از حبس ابد تا سه سال زندان محکومیت یافتند. و بعضی که به خارج گریختند، اما نتوانستند خود را به بلوک شرق برسانند، بازداشت و به ایران بازگردانده شدند. ۸.

کمابیش بانگ اعتراض‌هایی از سوی احزاب کمونیست و سوسیالیست و مجامع مترقی کشورهای اروپایی که با این شیوه

انتقامگیری و حشیانه مخالف بودند، برخاست. و شاید واکنش آن اعتراضات بود که شاه را واداشت از تصمیم قاطع خود در اعدام صد تن دیگر افسران توده‌های درگذرد و آنان را مشمول یک درجه بخشودگی قرار دهد. در طول سال ۱۳۳۳، به تدریج فعالیتهای سیاسی مخالفان ضد رژیم به حداقل رسید. اغلب خوانین و رؤسای ایلات به تهران فراخوانده شده، جوایز و پاداشهایی به آنان داده شد و شاه با آنان به گفت‌وگو پرداخته، تحبیب قلوب کرد.

پی نوشتها:

۱. «آمریکا علاقه‌مند به حفظ استقلال ایران است»، مصاحبه با کلنل نورمن شوارتسکف در مرد امروز. ش ۱۱۸. ۱۰ مرداد. ۱۳۲۶. صص ۴ و ۱۱.
۲. چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج ۶، مرکز بررسی اسناد تاریخی، تهران: ۱۳۸۰، ص ۶۳.
۳. پارس. آذر ۱۳۳۲، نقل شده در خواندنیها. شماره ۲۲. سال ۱۴. ۲۱ آذر ۱۳۳۲.
۴. غلامرضا نجاتی از جنبش ملی کردن نفت تا کودتای ۲۸ مرداد، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵، ص ۷۸-۸۰.
۵. خسرو معتضد، درون ارتش شاه، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۶، ص ۲۲۰.
۶. خسرو معتضد، شبکه سازمان نظامی افسران حزب توده ایران، تهران: علمی، ۱۳۷۹، ص ۴۱۵.
۷. همان، ص ۴۲۰.
۸. عبدالله برهان، کارنامه حزب توده و راز سقوط مصدق، ج ۱، تهران: علم، ۱۳۷۸، ص ۳۷.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48345/توده-حزب-نظامی-سازمان-انهدام-زاهدی-لاله-فض-نقش/>